

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹۲۴۳

# شهید بهشتی دانشگاه

## دانشگاه شهید بهشتی دانشکده حقوق

### عنوان رساله:

تطبیق آرای امام خمینی (ره) و علامه نائینی در باب برابری

برای اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی حقوق بشر

### استاد راهنما:

جناب استاد دکتر محمد حسین زارعی

### استاد مشاور:

جناب استاد دکتر سید محمد هاشمی

### دانشجو:

مینو ایمانی مرنی

تابستان ۱۳۸۵

۹۸۴۰۴

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۲۵

وزارت اطلاعات  
مستند سازی

## «هو المحبوب»

سربر آستان کبریایی وجودی می‌سایم که هستی بودنم از اوست و سپاس گزار نعمات بی‌کرانش هستم، از او مدد جسته و به نام او و با یاد او و با لطف او آغاز نمودم. در این مسیر از راهنمایی‌های استاد بزرگوارم، جناب آقای دکتر زارعی بهره‌ها بردم. نگرش عمیق و پرسش‌گرای ایشان در همان ابتدا جهت این حرکت را نمایان ساخت و موجبات تسریع این امر به واسطه‌ی صبر و مهربانیشان حاصل شد.

از یگانه استاد فرزانه و پر درد امروز جامعه‌ی ایران جناب آقای دکتر سید هاشمی بسیار سپاسگزار می‌باشم، که افتخار آن را داشتم تا در این برهه و مرحله نیز از ارشادات و راهنمایی‌هایشان بهره‌برم. و به یقین این رساله حاصل دغدغه و سئوالاتی است که از خاستگاه تعلیمات آن بزرگوار ایجاد شده است و سرانجام این امر به مدد همویی بود که با نامش آغاز نمودم.

تابستان ۱۳۸۵

بر آستان جانان گر سر توان نهادن      گلبانک سربلندی بر آسمان توان زد  
عشق و شباب و رندی مجموعه مراد است      چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد  
اهل نظر دو عالم در یک نظر ببازند      عشقت و داد اوّل بر نقد جان توان زد

پیشکش مقامی که هستی و جان هستی بر آن بنا شد.

به وجودی ارزانی می شود که شوق امید را می افروزد و شور زندگی را.

## چکیده

آشنایی با مفاهیم بنیادین حقوق بشر و بویژه برابری از دوره‌ی مشروطه به بعد و مواجهه با محک اسلام، سئوالات متعددی را در این حوزه بوجود آورده است. دامنه‌ی این پرسش‌ها با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل دولت جمهوری اسلامی از سوی حضرت امام خمینی وجوه جدیدی نیز یافت از جمله چگونه می‌توان فهم دینی از اصول بنیادین حقوق بشر را ارائه نمود که همسو با اصول اساسی برخاسته از عقلانیت جمعی بشر باشد.

در این راستا و در پی پاسخ به این سؤال محوری و سئوالاتی که از دل این پرسش اصلی متولد می‌شوند از جمله، در صورت عدم دریافت فهم مشترک چه ادله‌ای از این دو بزرگوار به عنوان نمایندگان جریان فکری مشروطه و انقلاب ارائه شده است و آیا ادله‌ی ارائه شده از منظر متون حقوق بشری قابل نقد می‌باشد یا خیر؟ هدف اصلی نگارش این رساله گردید. بی‌شک بدون طرح تفوریک و ارائه‌ی مبنایی برای تطبیق، نقد آرا میسر نخواهد بود. در همین جهت مباحث بخش نخست به بیان مفاهیم، نظریه‌ها و مبانی و مصادیق برابری اختصاص یافته و بخش دوم به تطبیق آرا منجر گشت.

تطبیق آرا دو فقیه که هر کدام در برهه‌ای حساس در تاریخ ایران قرار داشته‌اند، به نوعی بازگوکننده‌ی فهم و قرائت فقیهان زمان خودشان بوده است. اهتمام و تلاش هر دو بزرگوار در پیوند و آشتی مذهب از یک سو و حقوق بنیادینی که امروزه عقلانیت جمعی بشر بر هستی آن تردیدی ندارد از دیگر سو، مباحثی از رساله‌ی کنونی را تشکیل می‌دهد و البته در برخی موارد سکوت و به صورت کلی مساله را مورد تأیید قرار دادن، همچنان سوال اساسی این رساله را بی پاسخ وانهاده است. این جریانی است برای آنان که دغدغه‌ی زیستن در جامعه‌ای با احترام به اصول و ارزش‌های بنیادین بشری به همراه سلوک اخلاقی و معنوی دارند تا از این میان رستگاری و سعادت را قرین نیک بشر نمایند. و البته بی‌نقد و گفتگو سخن از چنین آرمانی افسانه و نمایشی بیش نخواهد بود.

۱

## بخش نخست - مفاهیم، نظریه‌ها، مبانی و مصادیق برابری

۹

### فصل نخست - مفاهیم و نظریات برابری

۹

گفتار نخست - برابری شکلی

۱۱

گفتار دوم - برابری ماهوی

۱۳

گفتار سوم - برابری طبیعی

۱۴

گفتار چهارم - برابری سیاسی (شهروندان و حاکمیت)

۱۹

گفتار پنجم - برابری حقوقی

۲۲

گفتار ششم - برابری اجتماعی

۲۳

مبحث نخست - لیبرال‌ها

۲۷

مبحث دوم - مساوات طلب‌ها

۳۲

### فصل دوم - مفاهیم مرتبط با مفهوم برابری

۳۲

گفتار نخست - آزادی

۳۴

مبحث نخست - آزادی و حاکمیت

۳۵

مبحث دوم - آزادی فردی و برابری اجتماعی

۳۸

گفتار دوم - عدالت

۴۶

### فصل سوم - مبانی برابری و مصادیق برابری

۴۶

گفتار نخست - مبانی برابری

۴۸

گفتار دوم - مصادیق برابری

۴۸	مبحث نخست - برابری جنسیتی
۵۶	مبحث دوم - برابری زبانی
۵۶	بند نخست - حقوق زبانی از منظر برابری و عدم تبعیض
۵۸	بند دوم - حقوق زبانی از منظر آزادی بیان
۶۰	بند سوم - حقوق زبانی از منظر حقوق اقلیت‌ها
۶۲	مبحث سوم - برابری مذهبی
۶۵	بند نخست - اسناد بین‌المللی راجع به برابری مذهبی
۶۸	بند دوم - برابری مذهبی در پرتو آزادی بیان و عقیده
۷۰	نتیجه‌گیری
۷۲	بخش دوم - «مبانی و مصادیق برابری در آرای علامه نائینی و امام خمینی و تأثیر نظریات آنها بر شکل‌گیری قوانین موضوعه»
۷۴	فصل نخست - برابری سیاسی
۷۴	گفتار نخست - سیر شکل‌گیری اندیشه‌ی فقهی سیاسی علامه نائینی
۷۹	گفتار دوم - نظریه‌های فقهی سیاسی علامه نائینی
۸۰	مبحث نخست - ولایت انتصابی عامه‌ی فقیهان
۸۵	بند نخست - ارکان ولایت انتصابی عامه‌ی فقیهان
۸۵	نخست - ولایت
۸۶	دوم - انتصاب
۸۶	سوم - فقاقت

- ۸۷ چهارم - قلمرو ولایت
- ۸۷ بند دوم - جایگاه حقوق و آزادی‌های مردم
- ۸۸ مبحث دوم - نظریه‌ی رجوع به فقها در امور حسبیه و قضا و افتاء از باب قدر متیقن
- ۹۰ مبحث سوم - نظریه‌ی دولت مشروطه
- ۹۳ بند نخست - سلطنت تملیکیه
- ۹۳ نخست - رکن تشکیل دهنده سلطنت تملیکیه
- ۹۴ دوم - قوای حافظ سلطنت تملیکیه
- ۹۷ بند دوم - سلطنت ولایتیه
- ۹۸ نخست - شکل سلطنت ولایتیه و جایگاه ولی فقیه
- ۱۰۰ دوم - کارکرد سلطنت ولایتیه
- ۱۰۱ الف - ضرورت تدوین یک قانون اساسی
- ۱۰۱ ب - ضرورت وجود پارلمان
- ۱۰۲ ۱- مشروعیت پارلمان
- ۱۰۴ ۲- وظایف پارلمان
- ۱۰۶ سوم - جایگاه حقوق و آزادی‌های مردم
- ۱۰۶ الف - آزادی
- ۱۰۸ ب - مساوات
- ۱۰۹ گفتار سوم - نظریه‌های فقهی سیاسی امام خمینی



- ۱۱۰ مبحث نخست - نظریه دولت مشروطه با اذن و نظارت فقیهان منتخب
- ۱۱۱ مبحث دوم - نظریه‌ی ولایت انتصابی عامه‌ی فقها
- ۱۱۲ بند نخست - خصوصیات حکومت اسلامی
- ۱۱۳ بند دوم - شرایط زمامدار
- ۱۱۴ بند سوم - ادله‌ی ثبوت ولایت فقها
- ۱۱۶ مبحث سوم - نظریه‌ی حکومت اسلامی با نظارت فقیه
- ۱۱۶ مبحث چهارم - نظریه‌ی حکومت اسلامی با ولایت مطلقه‌ی فقیه
- ۱۱۶ بند نخست - مفهوم ولایت مطلقه‌ی فقیه
- ۱۱۸ بند دوم - جایگاه حقوق و آزادی‌های مردم
- ۱۲۱ گفتار چهارم - مقایسه و ارزیابی نظریات دو فقیه از منظر برابری سیاسی
- ۱۲۱ مبحث نخست - تشابهات و تفاوت‌های آرای امام خمینی (تئوری ولایت مطلقه فقیه) با آرای علامه نائینی (تئوری دولت مشروطه)
- ۱۲۳ مبحث دوم - ارزیابی آرای امام خمینی (تئوری ولایت مطلقه‌ی فقیه) و علامه نائینی (تئوری ولایت انتصابی عامه فقیهان) در پرتو تئوری‌های سیاسی مطرح در غرب
- ۱۲۷ فصل دوم - برابری حقوقی
- ۱۲۷ گفتار نخست - برابری حقوقی در اندیشه‌ی علامه نائینی
- ۱۲۹ گفتار دوم - برابری حقوقی در اندیشه‌ی امام خمینی
- ۱۳۰ مبحث نخست - برابری جنسیتی

۱۳۳	مبحث دوم - برابری اقلیت‌های مذهبی و قومی
۱۳۷	گفتار سوم - بررسی مصادیق برابری حقوقی در قوانین اساسی و موضوعه‌ی ایران
۱۳۷	مبحث نخست - برابری جنسیتی
۱۳۷	نخست - برابری خانوادگی
۱۳۷	الف - ازدواج
۱۳۸	ب - حضانت
۱۳۸	ج - انحلال نکاح
۱۴۱	د - ارث
۱۴۲	دوم - برابری مالی
۱۴۲	سوم - برابری سیاسی
۱۴۲	الف - رهبری
۱۴۳	ب - ریاست جمهوری
۱۴۳	چهارم - برابری قضایی
۱۴۳	الف - قضاوت
۱۴۵	ب - شهادت
۱۴۶	پنجم - برابری جزایی
۱۴۶	الف - قصاص
۱۴۷	ب - دیه

۱۴۸	مبحث دوم - برابری مذهبی
۱۴۸	نخست - اقلیت‌های مذهبی و دینی شناخته شده
۱۴۹	دوم - اقلیت‌های مذهبی و دینی شناخته نشده
۱۵۱	نتیجه‌گیری
۱۵۸	منابع

## مقدمه

«خداوند، پدر و ولی نعمت تمام انسان‌ها، از همان آغاز پیدایش، به همه‌ی فرزندان خود نسبت به همه‌ی چیزهایی که برای او و زندگی خود به آنها نیازمندند، حقی مساوی داده است، هیچ یک از ما نمی‌تواند ادعا کند که طبیعت برای او مزیت‌های بیشتر از دیگران قایل شده است».<sup>۱</sup>

## «فیلیپ مالوری»

پیکار برای برابری از لحظه‌ی فهم بشر آغاز گردید. این تلاش در قالب‌های گوناگون نماد پیدا نمود. تلاش برای برابری، توسط دردمندان صاحب فکر در عرصه‌ی علم چراغ امید را به سوی آن آرمانشهر رهنمون شده است. از باب مثال در قرن شانزدهم در اثر معروف سروانتس، [دن کیشوت]، چه زیبا قاعده‌ی نابرابری اجتماعی به تصویر کشیده شده است. آنجایی که دن کیشوت یک نجیب‌زاده و ارباب همراه با فردی به نام سانکو یک دهاتی و نوکر از سوی بزرگان دعوت می‌شوند تا در غذایشان شریک شوند: «دن کیشوت نشست و سانکو در خدمتش ایستاد تا با جامی که نه از بلور بلکه از شاخ بود به ارباب خود نوشابه بدهد. ارباب چون او را ایستاده دید گفت: سانکو، برای آنکه از هر چه محسنات در حرفه‌ی پهلوانان سرگردان است آگاه شوی و بدانی که این طایفه در هر منصب و مقامی که باشند در جهان با چه غیرت و حرمتی مورد استقبال و احترام واقع می‌شوند من میل دارم که تو همین جا در جوار من و در مصاحبت این نیک مردان بنشینی و با من که ارباب و ولی نعمت قهری تو هستم یکسان باشی، از بشقاب من بخوری، و از جام من بنوشی، زیرا در عالم پهلوانی نیز همچون در عالم عشق می‌توان گفت که همه چیز با هم برابر می‌شوند».<sup>۲</sup>

۱- مالوری، فیلیپ، مرثیه‌ای در مدح سن فرانسوا داسیزا، ادبیات و حقوق، ترجمه‌ی کلانتریان، دکتر مرتضی، چاپ اول، نشر آگه، تهران، ۱۳۸۱، ص. ۱۶۸.

۲- منبع پیشین، ص. ۳۹.

برابری ارزشی است که حاصل فعالیت عقلانی است و زمانی به صورت مفهوم خودنمایی می‌کند که در هیئتی معین ظاهر شود. تلاش برای شناساندن این ارزش از زمان تعقل و عقلانیت آغاز شد و نقطه‌ی آغازین آن به نظر می‌رسد اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند فرانسه باشد. چون تعبیر حقوق از ارزش برابری انتزاعی بود در قالب اعلامیه ظاهر گردید<sup>۱</sup> و در این میان حقوق فن و روشی است که ارزش برابری را فعال می‌سازد تا به صورت واقعیت تاریخی در آید.

تلاش‌ها و مبارزات انسان‌های آزادی خواه گامی مؤثر به سوی آرمان بشریت را فراهم نموده است آرمانی که از آن به صلح نام می‌برند و در این مسیر، به برابری نیز وقعی نهاده شد، با رشد عقلانیت از یکسو و وقوع وقایع رعب‌انگیز و دهشت‌ناک از سوی دیگر که زمینه‌ی رشد عقلانیت و توجه به اصول و ارزش‌های بنیادین را فراهم آورده، بستری برای رشد برابری شد، این اصل بنیادین بسیاری از روابط آدمیان را به نظم درآورد و تجلی این اصل در قوانین اساسی و موضوعه‌ی کشورها بارز شد. اصول بنیادینی همچون آزادی، برابری و حقوق بشر، شرط مشروعیت و اصول هادی یک نظام دموکراتیک تلقی گردید. مفاهیم حقوق بشر و اصول آن بسان زنجیره‌ای متصل و شبکه‌وار کل نظام هستی را در بر گرفت اما دیده می‌شود که در نقطه‌های از این زنجیره، گسست و شکافی وجود دارد که مانع از حرکت کل هستی به سوی آن آرمان مشترک می‌شود و نیرو و وقت عمده‌ای برای بهبود آن شکاف‌ها ایجاد می‌شود. توافق و اجماعی بر اینکه برابری و اصول بنیادینی چون آزادی، عدالت وجود دارد حاصل است. اما چگونه است که عده‌ای آن فهم از برابری را که خود دارند صحیح و خوب می‌دانند؟ آن فهم از عدالت را صحیح می‌دانند که خود بدان باورند؟

شاید، ایده‌ی بر حق بودن و یقین به قطعیت به وجود حقیقت نزد عاملان آن ایده، باعث شده تا در مواردی در این زنجیره گسست ایجاد شود. این ایده که، ما خودمان به این نتیجه رسیده‌ایم که احکامی

۱- فلسفی، دکتر هدایت الله، حق، صلح و شرافت انسانی، ... مجله‌ی حقوقی، سال ۱۳۸۱-۱۳۸۰، شماره ۲۶ و ۲۷، ص. ۱۹.

است و آن احکام قطعی است و وظیفه‌ی ماست که اینگونه با دیگران رفتار کنیم،<sup>۱</sup> شاید نتیجه‌ی چنین تفکری باشد.

اصول بنیادین حول محور انسان موجودیت دارند و از این جهت مورد اقبال جهانیان قرار گرفته‌اند. پذیرش این اصول از سوی حکومت‌ها لازمه‌ی شرط بقای زمامداران است. برابری وقتی در هیئت قواعد موضوعه‌ی حقوقی، ظاهر شد، حد و حدودی دقیق پیدا کرد ولی این قاعده‌ی حقوقی باید مورد قبول کسانی قرار بگیرد که آن را به اجرا در می‌آورند.<sup>۲</sup>

### ضرورت تحقیق:

مسأله این است از یک سو انسان محصور در مذهب مواجه با حقوق بنیادینی شده است که عقلانیت و تجربه‌ی عقلانی بشر در نگاه اول حکم به پذیرش آن اصول بنیادین داده است و از سوی دیگر همین انسان در برابر تعابیری از اصول دینی قرار گرفته است که با آن خردورزی و عقلانیت ناسازگار می‌نماید. این مسأله در باب مذهب اسلام نیز خود را نمایان و آشکار می‌سازد. در بررسی نظرات دو فقیه به عنوان نمایندگان جریان فکری اسلام قصد این است تا دیدگاهشان را به مسائل زمانشان دریابیم و زاویه‌ی دید آنها را فهم کرده و از آن منظر قواعد حقوق بشر را، بطور اعم و برابری را به طور اخص بررسی نماییم. اساساً با سیر در آراء و نظرات آنان فهم اسلام را از جریان حقوق بشر دریافته و به این سوال اساسی پاسخ دهیم که با قرائت فقهی از دین می‌توان به راهیابی و اجرای کامل حقوق بشر در جوامع دینی و مسلمان امیدوار بود یا خیر؟ در یک جمله می‌توان انگیزه‌ی چنین تحقیق و پرسش را فراهم نمودن بستر توسعه‌ی حقوق بشر در جوامع دینی (اسلامی) دانست.

۱- سروش، دکتر عبدالکریم، اخلاق خدایان، چاپ دوم، نشر طرح نو، تهران، ۱۳۸۰، ص. ۱۹۱.

۲- فلسفی، دکتر هدایت الله، منبع پیشین، ص. ۱۸.

## سؤالات تحقیق:

- ۱- آیا می‌توان فهم مشترکی درباب برابری بشر در آراء فقهای معاصر اسلامی - امام خمینی و علامه نائینی از یک سو و اصول اساسی برخاسته از عقلانیت جمعی بشر امروزین در این باب از دیگر سو، یافت؟
  - ۲- در صورت عدم فهم مشترک، فقهای مزبور، چه ادله‌ای اقامه نموده‌اند؟
  - ۳- مبنای ادله‌ای اقامه شده از جانب فقهای مزبور در مواجهه با محک حقوق بشر انسان امروزین، تا چه میزان تاب ایستایی وماندگاری را دارا خواهد بود؟
- لذا ضرورتاً دغدغهی اصلی این نوشته: اولاً بررسی وجود یا عدم وجود تعارض از منظر فهم دینی با اصول حقوق بشر است و ثانیاً در مقام بررسی، دو فقیه تأثیر گذار (امام خمینی و علامه نائینی) در جریان فکری اسلام را برگزیدیم؛ از آن جهت که علامه نائینی به عنوان نماینده‌ی علمایی که همراه و موافق با جنبش مشروطه‌ی ایران بود و تلاش ستودنی در پیوند مذهب با مشروطه نمود و امام خمینی از آن جهت که تنها فقیه‌ی بود که دست به تشکیل حکومت زد. علامه نائینی در نقطه‌ی آغازین جریان روشنگری که به ایران نیز، سرایت یافت قرار دارد و امام خمینی فقیه زمامداری که پس از استقرار شیوه‌های نو، خواهان اجرای عملی اصول اسلام است.
- پیش فرض اصلی تحقیق بر این اصل شکل گرفته است که دین اسلام و تعلیمات درون دینی نیز به پندار برابری انگشت تصحیح و تصویب نهاده است. آیاتی در قرآن وجود دارد که از مردمی‌ترین و انسان نوازترین آیات در بیان برابری است. برخی از این آیات انسان را متوجه حقوق خودش می‌کند. خداوند در جایی می‌گوید که ما پیغمبران را برای مردم فرستادیم تا مردم حجتی بر خدا نداشته باشند، یعنی نتوانند جواب خدا را بدهند و اگر خداوند آمد گریبان آنها را فرا گرفت و آنها را مواخذه کرد، آنها در مقابل خداوند بی‌پاسخ بمانند، این سخن معنایش این است که ما از پیش خود حق داریم که اگر کسی با ما بی‌حجت برخورد کرد، از خود دفاع کنیم. و این یکی از حقوق به رسمیت شناخته از جانب خداست و به این معناست که ما حق دفاع از خود داریم. این به معنای این است که آدمیان حقوقی دارند و این حقوق را از پیش خود به دلیل انسان بودن و به مجرد انسان بودن واجد هستند نه به سبب اینکه از جایی و

مرجعی و منبعی به آنها اعطا و افزوده شده است و لذا آیات متعددی که اشاره به تساوی نموده است با این استدلال قابل توجیه می‌باشد و اساسا این دین است که باید حاوی چنین ویژگی‌های باشد تا قابل پذیرش گردد. این بر عهده‌ی دین است که به دنبال حقیقت باشد و نه به عهده‌ی حقیقت که با دین تناسب یابد. این امر به باور نگارنده در تمامی ادیان وجه مشترک می‌باشد و علت این ادعا پذیرش دعوت‌های انبیا از سوی مردمان روزگار خود بوده است.

این نوشتار با این فرض اصلی در مقام نقد و بررسی آرای امام خمینی و علامه نائینی بر آمده است و از این منظر نقش فقها و مفتیان را از بنیان اسلام جدا نموده است. لذا در مقام بررسی دیدگاه‌های فقهی دو فقیه که آرای آنان متأثر از دین اسلام بوده است در مقام ارزیابی و مقایسه با نظریات مدرن حقوقی و فلسفی قرار داده شده است.

### روش تحقیق:

در این نوشتار روش تحقیق در جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و ارائه‌ی آن به روش تحلیلی - توصیفی انجام یافته است.

یکی از موانع موجود برای تحقیق در این نوشتار عدم وجود منابع دست اول و حتی دست دوم در تفسیر آرای علامه نائینی بوده است و به غیر از کتاب مهم و ارزشمند وی تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله و دو کتاب فقهی به نام‌های «المکاسب والبیع» «منیه الطالب فی شرح المکاسب» که تقریرات درس خارج ایشان بوده است، کتاب دیگری برای فهم آرای ایشان به دست نیامد و کسانی هم به تحلیل آرای علامه نائینی دست یازیده‌اند به اثر ارزشمند ایشان یعنی همان تنبیه‌الامه در جهت تفسیر آرای ایشان متوسل شده‌اند، لذا محدودیت اول و مهم، نبود منابع کافی برای فهم صحیح و دقیق نظریه‌ی ایشان بوده است، محدودیت و مانع دیگری که در این تحقیق وجود داشته است می‌توان در نبود نظریه‌ی مستقلی در باب برابری در آرای هر دو فقیه دانست. آنچه در این نوشتار به نمایش در آمده است، مطالب کلی است که در کتاب تنبیه‌الامه اشاره شده است و در خصوص آرای امام خمینی فحص و جستجو بویژه در صحیفه‌نور



صورت گرفته تا بتوان فهم ایشان را از این موضع بررسی نمود. البته آنچه در نظریات این دو فقیه نقطه مشترکی را برای بررسی تطبیقی بوجود آورد، نظریه‌پردازی فقهیشان در برابر سیاست و زعامت امور مسلمین بوده است، لذا مطالب اصلی این تحقیق به بررسی آرای سیاسی این دو بزرگوار اختصاص یافته است و در نتیجه تحقیق جنبه‌ی تحلیل نظریات سیاسی ایشان یافته است. از دیگر موانعی که می‌توان نام برد البته هم مانع و هم حسن، «عنوان رساله» می‌باشد که مطالعه تطبیقی «برابری» بوده است و این برابری به صورت کلی مدنظر قرار گرفته است. لذا با توجه به عنوان آن ذکر توضیحاتی ضروری می‌باشد، عنوان تحقیق از آن رو برابری بدون وصف خاصی انتخاب شد تا نگارنده قادر باشد اولاً از زوایای مختلف پایه‌ای برای بحث بوجود آورد چنانچه بخش اول رساله‌ی حاضر به تبیین مفاهیم متعدد برابری اختصاص یافته است و هدف اصلی از این امر به مرحله‌ی پختگی رساندن پایه و اساس موضوع رساله بوده است.

ثانیاً انتخاب عنوان برابری به صورت کلی برای رساله‌ی حاضر موجب گردید تا از موارد مشترکی که در هر دو نظریه وجود داشته است برای تطبیق استفاده گردد. اما ایراد اصلی کلی بودن عنوان رساله باعث عدم جامعیت رساله‌ی حاضر گردید. چنانچه در مواردی به صورت گزینشی به بررسی اختصاص یافته و از بررسی سایر امور غمض عین شده است. البته نگارنده با علم بر این موضوع حسن کار را بر نقص آن ترجیح داده و مبادرت به این امر نموده است.

موضوع این رساله در دو بخش اصلی تنظیم یافته است بخش اول که بنیان و اساس تحقیق حاضر است ایجاد پایه‌ای برای تحلیل آرای دو فقیه می‌باشد. بخش اول رساله‌ی حاضر به بررسی وجوه مختلف از مفاهیم برابری اختصاص یافته است. تفکیک صورت گرفته برای فهم حیطه‌های مختلفی که در آن می‌شود ادعای برابری را مطرح نمود حایز اهمیت است.

این پایان‌نامه در دو بخش تنظیم یافته است. بخش نخست در سه فصل و فصل نخست در شش گفتار که از آن به برابری شکلی، ماهوی، طبیعی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی یاد می‌شود گردآمده است در عین حال در بررسی این گفتارها، آنچه حایز اهمیت است ارتباط برخی مفاهیم مطرح در هر گفتار با گفتارهای بعد از خود می‌باشد. تغییر زاویه‌ی دید منجر به این تقسیم‌بندی گردیده و در عین حال نوعی ارتباط نامرئی میان هریک از آنان به نظر می‌رسد که وجود داشته باشد. البته در تبیین برخی از مفاهیم

برابری، من جمله برابری سیاسی و اجتماعی اشاره‌ای نیز به برابری فرصت‌ها، رفاه و منابع و برابری شغل و انتخاب شدن و انتخاب کردن به عنوان مولفه‌های اصلی این مفاهیم شده است. موضوع فصل بعدی بخش نخست این جستار تبیین جایگاه برابری در ارتباط این اصل با سایر اصول بنیادین و پایه‌ای حقوق بشر، همچون آزادی و عدالت می‌باشد، هدف از بیان این مفاهیم، نمایش وجه ارتباط برابری با این اصول بنیادین در جهت تعیین حد و حریم فهم برابری و البته وجه ارتباط این اصول به عنوان پایه‌های اصلی شکل دهنده‌ی یک نظام مشروع بوده است زیرا هر حکومت فاقد یکی از ارکان نمی‌تواند نام دموکراسی را بر خود نهند.

در فصل سوم این بخش به سوال چرایی برابری پاسخ داده شده است. اساساً چرا برابری دارای ارزش است و این همه قیل و قال در باب برابری از کجا ناشی می‌شود. پاسخ محکم به این سوال مانعی جدی برای تبعیض مبتنی بر فهم دینی را ایجاد می‌نماید.

در این فصل همچنین به بررسی مصادیقی از برابری اختصاص یافته است اما در این فصل تنها به ذکر دو نمونه از مصادیقی که می‌توان درخواست برابری در آن را نمود اختصاص یافته است اول زنان و دوم اقلیت‌ها، مصادیقی چند که از جمله برابری در فرصت‌ها و رفاه و شغل و ... در فصول تبیین مفاهیم برابری جای گرفته‌اند. علت این امر به نظر نگارنده بستر نظری بودن این مصادیق بوده است. لذا چون در بررسی آرای نائینی و امام خمینی از این بعد به این قضیه نظر افکنده‌ایم سعی کرده‌ایم تا این دو قشر را موضوع مطالعه قرار دهیم و حقوق اولیه‌ای که برای این دو قشر در طول تاریخ و در حرکتهایی که منجر به تصویب کنوانسیون‌های متعدد در جهت حمایت از آنان شده است را بشناسیم و سپس در بخش بعدی موارد تبعیضی که در آرای آنان ویا در قانونی که ملهم از نظرات فقهایشان می‌باشد را بررسی بنماییم. بخش اول رساله‌ی حاضر بر این پایه و اساس شکل می‌گیرد تا بخش دوم رساله ابتدائاً در مقام تطبیق با تئوری‌های مدرن حقوقی و سیاسی مورد بررسی قرار گیرد و نهایتاً یک بررسی نیز میان آرای دو فقیه صورت گیرد.

در بخش دوم رساله کنونی، دو فصل به تبیین آنچه دو فقیه از برابری ارائه کرده‌اند اختصاص یافته است، علت این امر فقدان نظریه‌ی منسجم و کامل در خصوص برابری بود. لذا گریزی نبود تا به تحلیل آرای سیاسی این دو فقیه که در عین حال مخرج مشترکی نیز برای بررسی تطبیقی آرای آنان است،

بپردازیم. لذا فصل نخست به برابری سیاسی اختصاص یافت و در گفتاری چند ابتدا آرای علامه نائینی در باب تئوری فقهی - سیاسی مورد بررسی قرار گرفت و آنچه بیشتر مدنظر قرار گرفته تئوری دولت مشروطه‌ی وی است که می‌توان در چنین دولتی اصول بنیادینی چون برابری و آزادی را یافت.

آنچه در این نظریات مد نظر بوده است چگونگی قوام تئوری علامه نائینی بوده است. مبنای توجیهی ایشان در شکل‌گیری حکومت از این منظر مورد توجه رساله‌ی حاضر قرار گرفته است. یعنی ابتدا پایه‌ی تئوریک و طرح ریزی نظریه‌ی ایشان وجه ارتباط با مساله‌ی برابری داشته است و ثانیاً خلق دولت مشروطه‌ی نائینی، قوام آن دولت، اصول پایه‌ای چون برابری و آزادی که وجه ارتباط دیگری با رساله‌ی حاضر داشته است.

گفتارهای بعدی فصل نخست بخش دوم به تحلیل نظریه‌ی فقهی سیاسی حضرت امام اختصاص یافته است و همین دو وجه نیز در این نظریه، مدنظر رساله‌ی کنونی بوده است.

گفتار پایانی این فصل نیز به جمع‌بندی و مقایسه و ارزیابی نظرات دو فقیه با تئوری‌های مدرن از یکسو و میان خود آنان از سوی دیگر اختصاص یافته است. مباحث پایه‌ای بخش نخست در تحلیل نظریات علامه نائینی و حضرت امام نقش اساسی داشته‌اند. فصل دوم بخش دوم نیز به تبیین آن دسته از برابری پرداخته است که از آن به برابری حقوقی یاد نمودیم و از این منظر در یک گفتار به بررسی کوتاه از آرای نائینی اختصاص یافت و در گفتار بعدی به بررسی آرای امام خمینی مبادرت نمودیم، گفتار پایانی نیز به لحاظ اینکه قادر باشد برخی برداشتهای فقهی از اسلام را با فهم امروزی که از برابری موجود است را به بوتهی نقد بکشاند به بررسی مصادیقی از نابرابری که در پرتو قانون موجه شده‌اند اختصاص یافته است. آنچه در بخش نخست تحت عنوان مصادیق برابری و گروه زنان و اقلیت بررسی شد در این قسمت در پرتو برابری حقوقی مورد مطالعه مستقیم قرار گرفت تا موارد تبعیض آشکار گردد. آنچه نگارنده را واداشت تا گفتار پایانی را به بررسی موارد تبعیض در اصول قانون اساسی و مواد قانون موضوعه اختصاص دهد، روند تحقیق بود زیرا با مطالعه در آرای این دو فقیه و بویژه حضرت امام این نتیجه حاصل شد که قوانین اساسی و موضوعه، ملهم از برداشتهای فقهی می‌باشند که این دو بزرگوار نیز بر آن اعتراف و آن را هادی خود دانسته‌اند. لذا ذکر مواردی از نابرابری قوانین ملهم از فقه خالی از فایده نبوده است.

## بخش نخست

# مفاهیم، نظریه‌ها، مبانی و مصادیق برابری